

**A Study of Ayatollah Seyyed Abdollah Behbahani's Role in
Constitutionalists' Sit-in in UK Embassy
(A Glance at Imam Khomeini's Opinion)¹**

Hamid Basiratmanesh²

Abstract

Research Paper

The sit-in of around 20,000 people of Tehran in July and August 1906 in UK Embassy is a highly debated issue in the history of constitutionalism. Lasting for a month, the sit-in came to an end after issuance of Constitutional Order by Mozaffar al-Din Shah of Qajar. There is no consensus on the name(s) of organizer(s) and decision-maker(s) behind the sit-in plan, although the role played by Ayatollah Seyyed Abdollah Behbahani, a prominent Shia cleric and one of the leaders of Constitutional Movement, is worthy of deliberation. This paper intends to shed light on Ayatollah Seyyed Abdollah Behbahani's role in organizing sit-in in UK Embassy through reviewing opinions for and against the move. An outstanding character opposing the sit-in was Ahmad Kasravi, whose opinion was endorsed by Imam Khomeini. Findings, came through review of various sources and documents on the move and opinions of the historians and researchers, indicate that the sit-in was a recommendation by Ayatollah Seyyed Abdollah Behbahani to a limited number of merchants for their safety and security and it was not a public call for sit-in in the UK Embassy. However, the recommendation found extensive dimensions, apparently contrary to what the ayatollah meant at the beginning, but the roles and influence of his followers and key figures in his house must not be ignored to that effect.

Keywords: Imam Khomeini, sit-in in UK Embassy, Ayatollah Seyyed Abdollah Behbahani, Kasravi, Constitutionalism

1. DOI: 10.22034/MATIN.2021.304316.1931

DOR: 20.1001.1.24236462.1401.24.96.6.7

2 .Assistant Professor, Department of History of Iranian Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran, Email: basirat1341@yahoo.com

بازخوانی نقش آیت الله سید عبدالله بهبهانی در تحصن مشروطه خواهان در سفارت انگلیس (بررسی دیدگاه امام خمینی)^۱

حمید بصیرت منش^۲

مقاله پژوهشی

چکیده: یکی از موضوعات بحث برانگیز در تاریخ نهضت مشروطیت، تحصن تعدادی حدود بیست هزار نفر از مردم تهران در سفارت دولت انگلستان است. این حادثه که در ماه‌های جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ (ژوئیه و اوت ۱۹۰۶ / تیر و مرداد ۱۲۸۵) رخ داد حدود یک ماه به طول انجامید و با فرمان مشروطیت مظفرالدین شاه خاتمه یافت. در مورد تصمیم گیرندگان و مشوقان تحصن در سفارت انگلیس اتفاق نظر وجود ندارد. در این رابطه نقش آیت الله سید عبدالله بهبهانی یکی از سران روحانی و رهبران مشروطه از موضوعات مهم و قابل بررسی است. در این مقاله به بررسی نقش بهبهانی در تحصن سفارت انگلیس پرداخته شده و دیدگاه‌های موافقان و مخالفان نقش او مورد توجه و نقد قرار گرفته است. از جمله مخالفان نقش او در تحصن سفارت انگلیس، احمد کسروی است که رأی او مورد تأکید امام خمینی قرار گرفته است. پس از مطالعه منابع متعدد پیرامون این رخداد و بیان دیدگاه‌های مورخان و پژوهشگران متقدم و متأخر، نتیجه بررسی حاکی است که در بدو امر توصیه بهبهانی صرفاً به تعداد معدودی از تجار با هدف حفظ جان و امنیت آنان بوده است و به معنی مجوز تحصن عده کثیری از مردم در سفارت تلقی نمی‌شود. با این حال، این توصیه ابعاد گسترده‌تری یافت که اگرچه ممکن است منظور نظر بهبهانی نبوده؛ اما اطرافیان و خواص بیت او در این رابطه نقش و تأثیر داشتند.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، تحصن سفارت انگلیس، سید عبدالله بهبهانی، کسروی، مشروطیت.

1. DOI: 10.22034/MATIN.2021.304316.1931

DOR: 20.1001.1.24236462.1401.24.96.6.7

۲. استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

E-mail: basirat1341@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۷

پژوهشنامه متین / سال بیست و چهارم / شماره نود و شش / پاییز ۱۴۰۱ / صص ۲۵-۱

مقدمه

درج مطلبی مبنی بر نقش آیت‌الله سید عبداللّه بهبهانی در تحصن مردم در سفارت انگلستان در جریان نهضت مشروطیت در کتاب تاریخ مقطع دبیرستان موجب نگارش نامه‌ای از سوی حجت‌الاسلام حمید روحانی به امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۴ گردید که در آن با استناد به دیدگاه احمد کسروی مبنی بر این که «این گمان هرگز نمی‌رود که بهبهانی یا طباطبایی به پناهندن مردم به سفارتخانه خرسندی داده‌اند، و یا چنین گفتگویی در بودن ایشان می‌رفته» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۹۴) و تأکید بر این که «اساساً موضوع از دید تاریخ‌نویسان مورد اختلاف است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۹۴)، خواستار دخالت رهبر انقلاب شد. امام خمینی با اظهار تأسف از نظام آموزشی کشور که چنین نسبتی به بهبهانی داده که «حتی کسروی با آن سوابق ضد اسلامی درباره ایشان نمی‌دهد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۹۶) و تأیید بر این نکته که کسروی ضد دین پس از تجلیل از آقایان بهبهانی و طباطبایی دستور بهبهانی و طباطبایی به مردم را در پناه بردن به سفارت یک دولت بیگانه رد می‌کند، طی نامه‌ای خطاب به رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی (آیت‌الله خامنه‌ای) دستور حذف این مطلب از کتاب درسی را دادند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۹۴-۲۹۶).

با این مقدمه، مسئله اصلی این مقاله این است که آیا بهراستی سید عبداللّه بهبهانی در جریان تحصن مردم در سفارت انگلیس نقش داشته یا نه؟ و اگر داشته این نقش تا چه میزانی بوده و دلایل این تصمیم چه بوده؟ و به‌علاوه آیا آن‌گونه که در نوشته حمید روحانی آمده این موضوع نزد تاریخ‌نویسان موضوعی اختلافی است؟ یا نظر کسروی موردی منحصر به فرد تلقی می‌شود؟ و در این رابطه رویکرد امام خمینی دارای چه زمینه‌ها و دلایلی است؟ و رویکرد تاریخ‌نگاران قبل و پس از اعلام نظر امام خمینی چگونه بوده است؟

کتاب‌ها و مقالات متعددی به رخدادهای تحصن مشروطه خواهان در سفارت انگلستان و نقش آیت‌الله سید عبداللّه بهبهانی در آن اشاره کرده‌اند که دسته‌بندی آنها در همین مقاله صورت گرفته است. ریشه‌شناسی بحث و تبیین رویکرد رهبر انقلاب به این موضوع فاقد پیشینه و از امتیازات مقاله پیش رو است.

۱. بررسی و واکاوی منابع پژوهش

بررسی نقش سید عبدالله بهبهانی در ماجرای تحصن سفارت انگلستان و پاسخ به برخی ابهامات درباره آن مستلزم مرور و مذاقه در منابع تاریخی است از این رو ضروری است مهم‌ترین منابع پیرامون این موضوع بازخوانی شوند. در این رابطه می‌توان منابع پیرامون این موضوع را به‌قرار زیر دسته‌بندی کرد: ۱. منابع فارسی دست‌اول؛ ۲. اسناد وزارت خارجه دولت انگلستان؛ ۳. منابع دست‌دوم؛ ۴. دیدگاه‌های تعدادی از پژوهشگران تاریخ معاصر؛ ۵. رویکرد امام خمینی؛ ۶. پژوهش‌های متأخر.

۱-۱. منابع فارسی دست‌اول

منابع فارسی صدر مشروطه در کنار گزارش رویداد، رویکرد توجیهی به نقش بهبهانی داشته‌اند. در این دسته از منابع تاریخ‌یاداری ایرانیان و حیات یحیی قرار دارند. تاریخ‌یاداری ایرانیان حاصل یادداشت‌های ناظم الاسلام کرمانی از ذی‌حجه ۱۳۲۲ است و منبع مهم مطالعات تاریخ مشروطه محسوب می‌گردد. یادداشت‌های ناظم الاسلام در ایام حیاتش به‌صورت پاورقی در روزنامه کوکب دری و بعد به‌صورت جزوه‌های هفتگی طی سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰ قمری منتشر شد. ناظم الاسلام در یادداشت‌های روز دوشنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ با اشاره به مهاجرت علما به ابن‌بابویه در مسیر رفتن به قم با عنوان «مکتوب آقای بهبهانی به سفارت انگلیس» می‌نویسد:

امروز صبح مکتوب آقای بهبهانی که محرمانه به سفارتخانه دولت انگلیس مرقوم داشته به مستر کوندف رسید و این مکتوب دوم بود که آقای بهبهانی از راه التجاء به آن سفارتخانه نوشته بود. مضمون مکتوب اول را نگارنده ندانست ولی مضمون مکتوب دوم از این قرار است که: «ما علما و مجتهدین چون راضی نیستیم خونریزی بشود لهذا حرکت به اماکن مقدسه را عازم گشتیم و از آن جناب تمنا داریم که در رفع ظلم و تعدی همراهی خود را از ما دریغ ندارد». چون آقایان حرکت کرده بودند و موقع گذشته بود مستر کوندوف شارژدافر همین قدر جواب داد که نسبت به بازماندگان و آنان که التجاء آورند همراهی خواهد شد. این بود که آقای بهبهانی در

ابن بابویه به بعضی از تجار فرمود که اجزاء سفارتخانه به من وعده همراهی داده‌اند هرگاه پس از من متعرض شما شدند به آن‌ها متوسل شده و به آن مکان متحصن و ملتجی شوید. اگرچه وزیرمختار در تهران نیست ولیکن شارژدافر و سایر اجزاء سفارتخانه از شما همراهی خواهند نمود (ناظم الاسلام کرمانی ۱۳۷۶: ۵۰۲ - ۵۰۱).

رخداد تحصن در سفارت از پنجشنبه ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ اتفاق افتاد. ناظم الاسلام در یادداشت‌های این روز نوشته: «امروز واقعه سفارتخانه انگلیس مسموع گردید و مشهور شد که عده‌ای از تجار آنجا متحصن شدند و جمعی از طلاب مدرسه صدر و دارالشفای از طرف تجار بردند به سفارتخانه». او سپس با اشاره به رفتن خودش به سفارت در روز جمعه و مشاهده تحصن بیش از پانصد نفر در آنجا، مطالبی در علت تحصن بیان کرده» (ناظم الاسلام کرمانی ۱۳۷۶: ۵۰۷ به بعد) و نوشته: «خلاصه از مکاتبات آقای بهبهانی به سفارت انگلیس و این که صریح به بعض تجار فرموده بود: اگر عین الدوله به شما سخت گرفت ملتجی به سفارت انگلیس شوید تجار به این خیال بودند» (ناظم الاسلام کرمانی ۱۳۷۶: ۵۰۹). در ادامه به ربودن زن حاجی حسن برادر حاجی محمدتقی - که در مهاجرت صغرا وکیل خرج آقایان بودند و خدمات بزرگ به آقایان کرده بودند - به وسلیه چند نفر فراش و غلام کشیک‌خانه در شب دوشنبه بعد از خروج علما از شهر اشاره می‌کند و می‌نویسد این شایعه مردم را بی‌اندازه خائف نمود (ناظم الاسلام کرمانی ۱۳۷۶: ۵۰۹). این دو برادر خیالات عین الدوله درباره خود و دیگران را به اطلاع تجار رساندند. تجار آن دو را مخفی کردند (و کسی را فرستادند به ابن بابویه نزد آقایان که تکلیف ما چیست؟ پس از چندساعتی فرستاده مراجعت نمود و از طرف آقای بهبهانی پیغام آورد که من استخاره کرده‌ام که پناه ببرید به سفارتخانه انگلیس، خوب آمده است. البته بروید در سفارتخانه انگلیس و در آنجا متحصن باشید تا امنیت برایتان بگیرند (ناظم الاسلام کرمانی ۱۳۷۶: ۵۱۰).

بر اساس نوشته ناظم الاسلام توصیه بهبهانی برای تحصن در سفارت انگلیس فقط به تعدادی از تجار بوده که احساس ناامنی تا حد ربودن ناموس خود را داشتند. ناظم الاسلام جزئیات برقراری ارتباط تجار با سفارت انگلیس و نحوه و چگونگی تحصن و پیوستن طلاب مدارس صدر و دارالشفای و ناصریه به متحصنین و نقش دو برادر تاجر فوق‌الذکر و

اعضای بیت بهبهانی مانند سید محمدتقی سمنانی را شرح داده است (ناظم الاسلام کرمانی ۱۳۷۶: ۵۱۲-۵۱۱).

نوشته‌های ناظم الاسلام کرمانی، مأخذ اصلی تاریخ مشروطه از جمله رخدادهای تحصن در سفارت انگلیس است و محققان و پژوهشگران با نقل و نقد مطالب و مندرجات این کتاب قضاوت و تحلیل خود را ارائه داده‌اند. یکی از پژوهشگران، نوشته ناظم الاسلام مبنی بر تحت فشار بودن تجار را متناقض یافته و ناامنی شهر تهران در چند روز قبل از تحصن در سفارت را سست و بی پایه می‌داند (لقابی ۱۳۸۰: ۱۲۲-۱۱۳). این در حالی است که جو اختناق و ناامنی و ارباب در تهران در اغلب منابع مشروطه مورد تأکید قرار گرفته است. یکی دیگر از پژوهشگران، فضای امنیتی تهران را انکار نکرده بلکه آن را ناشی از جوسازی‌ها و دروغ‌پراکنی‌های ماسون‌ها و توطئه دست‌های مرموز دانسته است (روحانی ۱۳۸۲ ج ۳: ۵۱).

یحیی دولت‌آبادی که کتابش حاصل مسموعات و مشاهدات شخصی اوست پیرامون رخداد تحصن مشروطه خواهان در سفارت انگلیس معتقد است دستور بهبهانی با هماهنگی بعضی از رجال دولت و با کارکنان سفارت صورت گرفته و انتشار این خبر با استقبال مردم که مدت‌ها رنگ آسایش و امنیت را ندیده بودند مواجه شد. او با اشاره به فضای امنیتی بعد از مسافرت روحانیون از تهران نوشته:

شب جمعه چند نفر از کسبه و طلاب به سفارتخانه انگلیس رفته متحصن می‌شوند. شنیده می‌شود که آقای سید عبدالله بهبهانی به بعضی از خواص خود دستور می‌داده که بعد از رفتن ما به قم باید در سفارت انگلیس متحصن شد و بدیهی است که این دستور بی سابقه قراردادی با کسانی از رجال دولت که در خفا با او کار می‌کنند و بالاخره با کارکنان سفارت نبوده است... اجزای سفارت هم خالی از انتظار ورود جمعیت نبوده‌اند و با این سبب حسن قبول از آن‌ها ظاهر شده نیکو پذیرایی می‌نمایند. خبر در شهر منتشر می‌شود... بدیهی است انتشار این خبر در میان مردمی که مدتی است رنگ آسایش و امنیت را ندیده شب‌ها خواب راحت ننموده‌اند چه اثر می‌بخشد خصوصاً که جمعی از آن‌ها بی‌گناه کشته شده‌اند... مردم تحصن در سفارت را فرج بعد از شدت و از وظائف ایمانی دانسته

صنف صنف و دسته‌دسته راه سفارت را در پیش گرفته (دولت‌آبادی ۱۳۷۱ ج ۲: ۷۲ - ۷۱).

از دیگر منابعی که می‌توان به آن استناد کرد یادداشت‌های محمدعلی تهرانی کاتوزیان از نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی است که نوشته «بعضی از تجار بهبهانی را ملاقات و در چاره‌جویی با او مشاوره نمودند. بهبهانی اظهار داشت: هرگاه به سفارت انگلیس پناهنده شوید شاید مأمون باشید» (تهرانی ۱۳۷۹: ۱۸۲). محور اطلاعات کاتوزیان تهرانی علاوه بر مشاهدات و مسموعات، گزارش‌های کتاب آبی است (تهرانی ۱۳۷۹: ۱۸۶ - ۱۸۵). در تعداد دیگری از منابع مانند خاطرات قهرمان میرزا سالور (سالور ۱۳۷۶ ج ۲: ۱۷۳۸ - ۱۷۳۶) و یادداشت‌های حاجی میرزا احمد حسینی تفرشی (تفرشی حسینی ۱۳۵۱: ۲۷ - ۲۶) ضمن اشاره به موضوع و تقبیح عمل تحصن و دخالت دولت انگلیس، نامی از بهبهانی برده نشده است.

۱-۲. اسناد وزارت خارجه انگلستان

اسناد و گزارش‌های مربوط به مکاتبات سفارت انگلیس در دوران مشروطه در تعدادی از کتاب‌ها درج شده است. بخشی از این اسناد در کتاب آبی و سپس کتاب انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران تألیف اسماعیل راین و تاریخ استقرار مشروطیت در ایران تألیف حسن معاصر منتشر شدند. کتاب آبی در بردارنده گزارش‌های وزارت امور خارجه دولت انگلستان است که بخشی از آن در همان سال‌های اولیه مشروطه با هزینه علیقلی خان سردار اسعد بختیاری ترجمه و در تیراژی اندک منتشر شد بخشی از «گزارش خلاصه وقایع ایران در سال ۱۹۰۶» در مورد موضوع بست‌نشینی در سفارت انگلیس و نقش بهبهانی به این شرح است:

... خلاصه مردم چاره را منحصر به پناه بردن به یکی از سفارتخانه‌ها دیده در نهم ژوئیه (۱۸ تیر؛ ۱۶ جمادی الاول) ... آقا سید عبدالله مجتهد که نسبت به سایر مجتهدین صاحب عزمی است راسخ و منزله از گرفتن رشوه مکتوبی نزد مستر کرنل دوف شارژدافر سفارت انگلیس فرستاده همراهی عملی و فعلی آن سفارت را خواهش نمود ولی شارژدافر مزبور در جواب اظهار داشت که سفارت انگلیس به هیچ وجه حاضر نیست همراهی با خیالات

کسانی نماید که رفتارشان بر ضد حکومت شاه باشد. روز شانزدهم ژوئیه (۲۵ تیر؛ ۲۳ جمادی الاول) آقا سید عبدالله در شرف حرکت از تهران مجدداً به مستر کرنر دوف مکتوبی نوشت بدین مضمون که ما علما و مجتهدین چون راضی نیستیم خونریزی بشود لهذا حرکت به اماکن مقدسه را عازم گشتیم و از آن جناب متمنی هستیم که در رفع ظلم و تعدی همراهی خود را از ما دریغ ندارد (بشیری ۱۳۶۳: بیست و شش مقدمه).

در ادامه این گزارش جزئیات مراجعه دو نفر از تجار و استعلام از کاردار سفارت و پاسخ وی و اطلاع سفارت به وزیر خارجه ایران و تحصن پنجاه نفر از طلاب و تجار در ۱۹ ژوئیه (۲۸ تیر، ۲۶ جمادی الاول) و افزایش آن‌ها تا ۱۴ هزار نفر در روزهای بعد اشاره شده است (بشیری ۱۳۶۳: ۹).

اسماعیل راین کتاب انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران را در سال ۱۳۴۵ چاپ و منتشر کرد. راین آنچه را که از گزارش کتاب آبی ذکر شد با آب‌وتاب فراوان نقل کرده و از درخواست مساعدت به «گرفتن پول برای به راه انداختن شورش» تعبیر کرده است (راین ۱۳۵۵: ۷۳). در ترجمه سند مربوط به ادعای فوق به تاریخ ۱۰ جولای ۱۹۰۶ از گرانت داف (کاردار سفارت و نه به گفته راین وزیرمختار) به سرادوار گری وزیر خارجه انگلستان به مساعدت مالی اشاره شده و در پایان آمده «ملاها ممکن است در سفارت پادشاهی انگلستان تحصن بجویند که در آن صورت باعث ناراحتی خواهد شد» (راین ۱۳۵۵: ۷۴).

اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان که در کتاب تاریخ استقرار مشروطیت در ایران از حسن معاصر در سال ۱۳۴۸ منتشر گردید، گزارش‌های تفصیلی‌تری را از بست‌نشینی سفارت انگلستان در اختیار می‌گذارد. بر اساس این اسناد، گرانت داف کاردار سفارت انگلیس در گزارش مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۶ به سرادوار گری وزیر خارجه این کشور از پیام رهبر علمای تهران خبر داد. از گزارش‌های بعدی مشخص می‌شود که این فرد سید عبدالله بهبهانی بوده است. گرانت داف نوشته:

«پیامی از رهبر علمای تهران دریافت نموده‌ام مبنی بر این که مردم برای سرنگون کردن دولت کنونی مهیا شده‌اند و اینکه اگر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل به دادن

کمک مالی به او باشد اینک وقت آن است» (معاصر ۱۳۴۸: ۶۳).
 نامه مورخ ۲۳ جمادی الاول بهبهانی در کتاب فوق درج شده است. در این نامه بهبهانی ضمن اعلام ترک تهران شرحی از دلایل مخالفت با صدراعظم (عین الدوله) و ستمگری‌های او داده و با اشاره به دوستی فی مابین با نمایندگان سفارت انگلیس در پایان نوشته: «متمنی است با در نظر گرفتن دوستی فی مابین از بذل مساعی خود برای پایان دادن به این ستمگری‌ها و تعدیات خودداری نفرماید» (معاصر ۱۳۴۸: ۸۶).

برخلاف ترجمه‌ای که در کتاب راثین و حسن معاصر از اسناد ارائه شده است نکته‌ای دال بر درخواست کمک مالی در نامه بهبهانی مشاهده نمی‌شود. ضمن اینکه موضوع کمک مالی با آنچه در کتاب آبی در مورد منزه بودن بهبهانی و عدم دریافت رشوه مطرح شده تناقض دارد. به علاوه در نامه بهبهانی صریحاً درخواست تحصن در سفارتخانه قید نشده بلکه می‌توان استنباط کرد که درخواست مساعدت می‌توانسته شامل بست نشینی در سفارت هم باشد. تعدادی از تاریخ‌نگاران خارجی که درباره مشروطه قلم زده‌اند با استناد به اسناد وزارت خارجه انگلستان در این زمینه قضاوت کرده‌اند (براون ۱۳۷۶: ۱۲۴؛ گروه نویسندگان ۱۳۸۲: ۶۸؛ آفاری ۱۳۸۵: ۸۳).

۱-۳. منابع دست دوم

منظور از منابع دست دوم منابعی است که یکی دو دهه بعد از مشروطه در مورد این واقعه دست به تألیف زده‌اند. تاریخ مشروطه ایران اثر احمد کسروی و تاریخ انقلاب مشروطیت ایران تألیف مهدی ملک‌زاده در این دسته قرار می‌گیرند. کسروی علاوه بر گزارش حادثه، رویکرد توجیهی - تکذیبی (رد نقش بهبهانی) دارد. تاریخ کسروی از مشهورترین و پرتیراژترین کتاب‌های تاریخی در ایران است. کسروی در هنگام نهضت مشروطه در سال ۱۳۲۴ ق / ۱۲۸۵ ش نوجوانی شانزده ساله بود. او پس از نگارش چندین اثر تاریخی از جمله تاریخ هجده ساله آذربایجان، با تکمیل آن از اواسط دوران رضاشاه به بعد تاریخ مشروطه ایران را تألیف کرد و در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ منتشر ساخت (یزدانی ۱۳۷۶: ۴۳). منابع کسروی شامل کتاب تاریخ بیداری ناظم الاسلام، مقالات روزنامه جبل‌المتین، کتاب آبی و شنیده‌های دیگر است. او با شرح رویدادهای قبل از مهاجرت علما و حالت نظامی شهر و

پراکندن شایعات و دروغ‌هایی پس از خروج علما از تهران، می‌نویسد: «تعدادی از بازرگانان که با دو سید از نخست همراهی نموده و شناخته‌شده بودند همچون حاجی محمدتقی بنکدار و حاجی حسن برادر او و برخی دیگر چون در تهران مانده و به قم نرفته بودند از عین الدوله به جان خود می‌ترسیدند» (اینان را از ترس اندیشه‌ای به سر افتاد و آن اینکه به سفارتخانه انگلیس روند و بستی نشینند) (کسروی ۱۳۶۹: ۱۰۷). کسروی سپس درباره سابقه بست‌نشینی توضیحاتی داده و انتخاب سفارت انگلیس برای بست‌نشینی را با توجه به پیشگامی آنان در مشروطه‌خواهی از سر ناگزیری می‌داند (کسروی ۱۳۶۹: ۱۰۹). او در ادامه مبنای تاریخ‌نگاری خود را بر گزارش‌های کتاب آبی گذاشته و با اشاره به نامه بهبهانی چند روز قبل از مهاجرت (در نهم جولای) به سفیر انگلیس^۱ و درخواست یاری از او و درخواست مجدد در هنگام مهاجرت (شانزدهم جولای) چنین استنباط کرده که خواست او جز این نبوده که سفیر واسطه بین ایشان با شاه باشد و پیام‌های آنان را به شاه برساند و به او شجاعت داده و از ترس بیرون آورد و افزوده:

این گمان هرگز نمی‌رود که بهبهانی یا طباطبایی به پناهِیدن مردم به سفارتخانه خرسندی داده‌اند و یا چنین گفتگویی در بودن ایشان می‌رفته. چه ما خود دیدیم^۲ که آنان با چه سختی‌ها و بیم‌ها روبرو بودند... و سرانجام که ناگزیر شدند روانه قم گردیدند. آن رفتار دلیرانه و جانبازانانه آنان کجا و خرسندی به پناهِیدن مردم به سفارتخانه یک دولت بیگانه کجا؟! این اندیشه از خامان سر زد و نخست جز کسان اندکی آن را نمی‌خواستند ولی کم‌کم اندیشه بزرگ گردید و همه به آن آهنگ افتادند و نااندیشیده به کاری برخاستند (کسروی ۱۳۶۹: ۱۰۹).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود کسروی یادداشت مساعدت بهبهانی را انکار نمی‌کند؛ اما نقل شفاهی مندرج در تاریخ بیداری را نپذیرفته، لذا توصیه بهبهانی را رد می‌کند. این در حالی است که حاج محمدتقی بنکدار (معروف به سفارتی) در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۲۶

۱. در غیاب سفیر، کاردار سفارت وظایف او را انجام می‌داد و کسروی سهواً به سفیر اشاره کرده.

۲. در اینجا مشاهده مستقیم منظور نظر کسروی نیست بلکه اشاره به مطالب چند صفحه قبل کتابش دارد.

کلیات نقل شفاهی تاریخ بیداری را مورد تأیید قرار داده است (جعفریان ۱۳۷۸: ۸۴). با توجه به شرحی که کسروی از اوضاع بحرانی تهران داده و انتخاب سفارت انگلیس از سوی تنی چند از بازرگانان را از سر ناگزیری دانسته، جای تعجب است که چرا پناهنده شدن به سفارت را نکوهش می‌کند. استنباط از تقاضای مساعدت بهبهانی شامل استفاده از ظرفیت سفارت انگلیس از جمله پناهنده شدن تجار در معرض تهدید می‌توانست باشد. بهبهانی شاید هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد چندین هزار نفر در سفارت بست بنشینند کما اینکه کسروی نیز تأکید می‌کند که «نخست جز کسان اندکی آن را نمی‌خواستند ولی کم‌کم اندیشه بزرگ گردید». به‌هرحال، استناد مخالفان نقش بهبهانی در تحسن سفارت انگلیس، به بخشی از مطالب و دیدگاه کسروی است.

مهدی ملک‌زاده که شاهد بسیاری از تحولات دوره مشروطه بوده انگیزه‌اش از نگارش تاریخ انقلاب مشروطیت ایران را تصحیح لغزش‌ها و خطاهای عده‌ای از مورخین ذکر می‌کند و در فصل اول کتابش به نقد آثار ناظم الاسلام کرمانی و کسروی و برخی دیگر از تاریخ‌نگاری‌های مشروطه پرداخته است (ملک‌زاده ۱۳۷۳: ۱۰-۶). ملک‌زاده ضمن تمجید از کسروی به‌ویژه در بخش تاریخ مشروطیت آذربایجان به انتقاد از او پرداخته است (ملک‌زاده ۱۳۷۳: ۸). او صفحاتی از کتابش را به توضیح پیرامون تحسن سفارت انگلیس اختصاص داده و نوشته‌اش بر اساس گزارش‌های کتاب آبی و اطلاعاتی از ناحیه متحصنین است (ملک‌زاده ۱۳۷۳: ۳۷۴ - ۳۷۳) و در این زمینه رویکرد توجیهی دارد و این موضوع را از سر ناچاری مردم و نیز در راستای شیوه مبارزاتی رهبران روحانی مبنی بر نفی خشونت و مقاومت منفی ارزیابی کرده است (ملک‌زاده ۱۳۷۳: ۳۶۸ - ۳۶۷، ۳۷۲). ملک‌زاده بدون آنکه نام کسروی را ببرد دیدگاه او را در تحلیل حادثه تحسن سفارت نقد کرده و می‌نویسد:

«به خلاف آنچه جمعی از مورخین نوشته‌اند مقدمات تحسن در سفارت انگلیس پیش از مهاجرت کردن نهضت از تهران تهیه شده بود و نقشه این کار را عده‌ای از تجار آزادیخواه و رؤسای اصناف و رهبران مشروطیت کشیده بودند و از طرف رهبران نهضت با نمایندگان سفارت مذاکره شده بود» (ملک‌زاده ۱۳۷۳: ۳۷۳).

البته کسان دیگری نیز در جلب موافقت سفارت انگلیس برای تحسن، دست‌اندرکار بودند. کما اینکه ملک‌زاده به تلاش‌های اردشیر جی در این رابطه به نقل از خود او

اشاره کرده است (ملک‌زاده ۱۳۷۳: ۳۷۳).

۴-۱. دیدگاه‌های تعدادی از پژوهشگران تاریخ معاصر

در مقاطع بعدی، اغلب تاریخ‌نگاران و پژوهشگران مشروطه در مورد تحصن سفارت انگلیس درصدد توجیه آن و ناگزیر بودن مشروطه خواهان برآمدند و تعداد معدودی نقش بهبهانی را محکوم و تقبیح کردند. علی‌اصغر شمیم که چاپ اول کتابش به سال ۱۳۴۲ است در توضیح موضوع تحصن، دیدگاه کسروی را نقل کرده است (شمیم ۱۳۷۰: ۴۵۴ - ۴۵۳) و تقریباً موضعی خنثی در این زمینه دارد. محمود محمود نیز نظر کسروی را نقل کرده اما عبارت مربوط به بهبهانی را ذکر نکرده است (محمود ۱۳۷۸ ج ۷: ۸۹ - ۸۸). رضوانی ضمن تحلیل ماجرای تحصن سفارت، سعی کرده توصیه بهبهانی را تبیین کند (رضوانی ۱۳۸۱: ۱۰۲ - ۱۰۱). برخی شم سیاسی بهبهانی را مورد تمجید قرار داده‌اند که از تضاد سیاسی روس و انگلیس به نفع مقاصد نهضت استفاده کرده است (داودی ۱۳۷۲: ۱۵۶ - ۱۵۵). جواد شیخ‌الاسلامی در ارتباط با درخواست مساعدت بهبهانی، توجیهاتی آورده و از کمک‌های دولت‌ها و کشورها به مبارزان کشورهای دیگر نمونه‌هایی ذکر می‌کند. او اگرچه به بهبهانی انتقاد دارد که همچون رجال درجه اول درباری، خدم‌وحشم داشته و پول‌هایی که برای پیشرفت نهضت به دستش می‌رسیده اکثراً در مواردی که مصلحت نبوده خرج می‌کرده باین همه، معتقد است محسنات بهبهانی بی‌گمان بر کفه معایش می‌چربد (شیخ‌الاسلامی ۱۳۶۷: ۲۵۷). در این میان دیدگاه رحیم نامور در مورد بهبهانی شدید است. او با اشاره به نامه بهبهانی به هاردینگ (سفیر بریتانیا در ایران) و درخواست کمک مالی می‌نویسد:

«این نامه سید عبدالله بهبهانی که حاکی از طمع‌ورزی و سودجویی او است نه تنها گرد بدنامی بر دامن او نشانیده بلکه میدان به دست برخی کوتاه‌نظران داده که با استناد به این موضوع نهضت را در اساس خود تخطئه کنند» (نامور ۱۳۵۷: ۸۱).

همان‌گونه که گفته شد نامه بهبهانی خطاب به گرانت داف کاردار سفارت انگلیس با مضمون کلی مساعدت است. نامور اگرچه ماجرای بست نشینی در سفارت انگلیس را تقبیح می‌کند لیکن اشاره‌ای به نقش بهبهانی در این رخداد نکرده است. ناصر تکمیل همایون، هرچند تأکید می‌کند که «شاید در آن روزگار برای رساندن پیام ملت به شاه یکی

از طریقه‌های ممکن بوده است» باین حال بست‌نشینی سفارت انگلیس را امری زشت تلقی و نظر کسروی را تأیید کرده (تکمیل همایون ۱۳۸۳: ۲۵) و این حرکت را از نقطه‌ضعف‌های تاکتیکی مشروطه خواهان می‌داند (تکمیل همایون ۱۳۸۳: ۴۳).

با توجه به رویکرد نه شرقی و نه غربی انقلاب اسلامی، تاریخ‌نگاری پس از انقلاب از بار ادبیات ضد استعماری بیشتری برخوردار گشت و در خوانشی از نهضت مشروطه، حادثه بست‌نشینی در سفارت انگلستان با شدت بیشتری تقبیح شد. محمد ترکمان به هدایت سفارت و عواملش و همکاری بی‌دریغ مشیرالدوله و سید عبدالله بهبهانی در ماجرای تحصن تجار تأکید کرد (ترکمان ۱۳۶۲ ج ۱: ۱۲). در کتاب تاریخ معاصر ایران سال سوم دبیرستان (که دکتر غلامحسین زرگری نژاد از مؤلفان آن بود)، در تشریح نهضت مشروطه با اشاره به دست‌های پنهان استعمار انگلیس در ایجاد وحشت عمومی، توصیه سید عبدالله بهبهانی در تحصن مردم در سفارت انگلیس که «لکه سیاهی در تاریخ مبارزات مشروطه به جای گذاشت» تقبیح شد (دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی و تألیف ۱۳۶۵: ۷۷). در کتاب تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران که به‌عنوان کتاب درسی برخی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۴ منتشر شد نیز ضمن تقبیح دخالت انگلیس در نهضت مشروطه به نقش بهبهانی در این تحصن اشاره گردید. ذکر نقش بهبهانی در این کتاب‌های درسی منجر به واکنش رهبر انقلاب شد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۹۵).

۱-۵. رویکرد امام خمینی و زمینه‌های تاریخی آن

بررسی آراء و نظرات تاریخی امام خمینی از جمله در مورد نقش بهبهانی در تحصن سفارت انگلیس مستلزم شناخت زمینه‌های فکری و تأملات تاریخی ایشان است. این آراء و نظرات تاریخی محصول تجربه زیسته ایشان و نیز مطالعه تعدادی از کتاب‌های تاریخی است. تأملات امام خمینی در رویدادهای دوران مشروطه به بعد از جایگاه یک عالم روحانی درون حوزه بود و بخشی از ویژگی‌های رهبری سیاسی وی را همین تأملات تاریخی شکل می‌دهد. در سیر مطالعاتی امام خمینی در دوره جوانی و میان‌سالی آثار احمد کسروی قابل‌ردیابی است. نقد شدید به آثار کسروی در سال‌های ابتدایی دهه بیست (امام خمینی بی‌تا: ۳۳۲؛ ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۳) که تا بعد هم ادامه یافت (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۸۸)، مانع از

آن نبود که کسروی را «نویسنده زبردستی» بداند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۳۲). در یکی از مهم‌ترین مقاطع زندگی سیاسی و در ایام حبس در سال ۱۳۴۲ در یادداشتی به سید صادق لواسانی - یکی از دوستانش - درخواست کرد کتاب تاریخ مشروطیت سید احمد کسروی را برایش تهیه و بفرستد (روحانی ۱۳۸۱: ۶۸۶). امام خمینی در مبارزات سیاسی‌اش با جبهه‌های گوناگونی مواجه بود که بعدها دردمندانه به آن اشاره کرد. اتهام انگلیسی بودن به روحانیون از دردهایی بود که با آن دست‌به‌گریبان بود و از نزدیک مشاهده کرده بود. این نگرش حتی در درون حوزه‌های علمیه هم وجود داشت و ایشان در این زمینه به حجت‌الاسلام حمید روحانی توصیه کردند در تاریخ‌نگاری خود «جمود حوزه‌های علمیه آن زمان که هر حرکتی را متهم به حرکت مارکسیستی و یا حرکت انگلیسی می‌کردند» نشان دهند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۴۰). در پیام دیگری سوگمندانه می‌گوید: در ایام مبارزات قیام ۱۵ خرداد علاوه بر تفنگ و مسلسل شاه، گلوله زخم‌زبان و نفاق و دورویی از داخل جبهه خودی هزار بار بیشتر جان را می‌سوخت و ایادی آمریکا و شاه به شایعات و تهمت‌ها متوسل می‌شدند و حتی نسبت کمونیست و عامل انگلیس به هدایتگران مبارزه می‌دادند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۰-۲۷۹). تخریب ماهیت قیام ۱۵ خرداد بخشی از سیاست تبلیغاتی حکومت پهلوی بود. این سیاست چه در سال‌های نخست نهضت اسلامی و چه پس از تبعید امام خمینی به خارج از کشور ادامه یافت. با توجه به هندی بودن اجداد امام خمینی، تبلیغ انگلیسی بودن ایشان در دستور کار محافل امنیتی قرار داشت (نشر عروج ۱۳۸۶ ج ۱۷: ۱۰۰، ۲۵۸، ۲۷۲-۲۷۱). محمدرضا پهلوی در کتاب انقلاب سفید، ایشان را فردی با پیشینه مجهول که «ارتباط مرموزی با عوامل بیگانه دارد» خواند (پهلوی ۱۳۴۵: ۴۴، ۴۵). به پیروی از او، اسماعیل راین در کتاب حقوق‌بگیران انگلیس در ایران به بهانه توضیح موقوفه او در هندوستان و نقش انگلستان در حمایت مالی روحانیون در عراق، اشاره‌ای به رخداد ۱۵ خرداد کرده و می‌نویسد:

اگرچه فعلاً اسنادی از نحوه تقسیم موقوفات هند و استفاده سیاسی از این وجوه در دست نیست؛ ولی در سال‌های خیلی نزدیک گذشته سیاستمداران انگلیس در شرق و بخصوص در ایران در موقع لزوم مقدار قابل توجهی از وجوه موقوفه را به اشکال مختلف در اختیار علما و روحانیانی که ریشه‌های

خانوادگی آن‌ها در هند به وجود آمده بود گذاردند و حوادث شوم و نکبت‌بار خلق‌الساعه‌ای به وجود آوردند که همه خوانندگان از آن مسبقند (رائین ۱۳۷۳: ۱۱۰).

اهمیت زدودن اتهام انگلیسی از مبارزات روحانیت چنان بود که آیت‌الله خمینی مدت کوتاهی پس از انتشار کتاب رائین در درس‌های موسوم به حکومت اسلامی درصدد پاسخ به شبهه افکنی او برآمد و بخشی از سخنانش را به موضوع مبارزات سیاسی روحانیت اختصاص داد. ایشان، اسماعیل رائین را «شخص بسیار بی‌آبرو که عامل استعمار است» (امام خمینی ۱۴۰۹: ۱۴۲). خطاب کرد و هشدار داد: «استعمار خیلی مایل است که همه علما را جیره‌خوار خودش معرفی کنند تا علمای اسلام را در میان مردم بدنام ساخته مردم را از آنان روگردان و منصرف کنند» (امام خمینی ۱۴۰۹: ۱۴۲).

با توجه به زمینه‌های یادشده، اکنون بهتر می‌توان دیدگاه امام خمینی در خصوص حساسیت نسبت به نقش یک روحانی سرشناس (سید عبدالله بهبهانی) را در رخدادی که حاکی از دخالت دولت انگلستان در یک جنبش اصیل است فهم کرد. ایشان با نظر کسروی در رد نقش بهبهانی در این ماجرا آشنایی داشت و حجت‌الاسلام حمید روحانی به‌عنوان یکی از شاگردان ایشان از این حساسیت آگاه بود؛ لذا در پی درج موضوع در کتاب درسی با رهبر انقلاب مکاتبه کرد که منجر به تذکر شدید امام خمینی به رئیس شورای انقلاب فرهنگی و حذف این مطلب از کتاب درسی گردید. دیدگاه تاریخی حمید روحانی تأکید بر نقش فراماسونرها و عناصر مرموز و دست‌های پشت پرده در حوادث مشروطه است. به نظر او ماسون‌ها توانستند برای کاستن از زشتی پناه بردن به سفارت یک کشور بیگانه مردم مسلمان ایران را با پیشگامی طلاب بی‌دانش فریب‌خورده و ماسون‌های عمامه به سر به تحصن سفارت انگلیس بکشانند (روحانی ۱۳۸۲ ج ۳: ۴۱). وی در ادامه ردیابی نقش ماسون‌ها در تحولات مشروطه معتقد است ماسون‌ها به‌دروغ رواج دادند که بهبهانی در نیمه‌راه قم به مردم پیام داده است که به سفارت انگلستان پناهنده شوند (روحانی ۱۳۸۲ ج ۳: ۵۱ - ۵۰). به‌این ترتیب، رویکرد امام خمینی و حمید روحانی با استناد به نظر کسروی در مورد نقش بهبهانی در تحصن سفارت انگلیس، جنبه تکذیبی دارد.

۶-۱. دیدگاه‌های متأخر

اگرچه اعلام نظر رهبر انقلاب در یک موضوع تاریخی می‌توانست منجر به هژمونی یک گفتمان تاریخی شود و البته بی‌تأثیر هم نبود لیکن مانع برداشت‌های مختلف تاریخ‌پژوهان نشد و برخی حتی در کسوت روحانیت تحلیل‌های متفاوتی درباره این موضوع ارائه دادند و دیدگاه تاریخی رهبر انقلاب را درست‌نپذیرفتند. رسول جعفریان ضمن اینکه معتقد است در تحلیل ماجرای تحصن مسائل بینشی تأثیرگذار است (جعفریان ۱۳۷۸: ۷۸) نتوانسته به‌طورکلی پای بهبهانی را از ماجرا بیرون بکشد منتها معتقد است کار تحصن تنها بر عهده بهبهانی نبوده و به‌یقین کسان دیگری نیز در پی این کار بوده‌اند و بهبهانی نقش محدودی در حد فراهم کردن زمینه در این قضیه داشته است (جعفریان ۱۳۷۸: ۸۴ - ۸۱). یکی دیگر از پژوهشگران، بدون اشاره به نام بهبهانی، توصیه علما به تحصن در سفارت انگلیس را از روی اضطراب و در شرایط فقدان امنیت و به‌منظور استفاده از نفوذ سیاسی انگلیس در جلوگیری از تهاجم روس به قیام‌کنندگان و بنا بر قاعده دفع افسد به فاسد، ارزیابی کرده است (بهشتی سرشت ۱۳۸۰: ۱۴۴). پژوهشگری دیگر، هرچند روایت کسروی از حادثه تحصن سفارت انگلیس را واقع‌بینانه‌تر می‌داند و معتقد است مصاحبه حاج محمدتقی بنکدار و ادعای او مبنی بر نظر مساعد بهبهانی برای رفتن به سفارت مبالغه‌آمیز است، لیکن به نقش مستقیم یا غیرمستقیم علما به‌ویژه بهبهانی در تحصن تأکید کرده و معتقد است دست‌های قوی‌تری در کشاندن مردم به سفارت نقش داشتند و مبتکر این تصمیم علما نبودند. ایشان سکوت و رضایت علما پس از تحصن مردم در سفارت انگلیس را موردانتقاد قرار داده است (تقوی ۱۳۸۴: ۶۱ - ۶۰). روح‌الله حسینیان با پذیرش نقش بهبهانی در ماجرای تحصن سفارت انگلیس، نظر کسروی (و به‌تبع آن دیدگاه امام خمینی و حمید روحانی) را نپذیرفته و با انتقاد از بهبهانی نوشته: انتساب اجازه پناهندگی به بهبهانی در آن زمان شایع بوده و هرگز از سوی او یا نزدیکانش تکذیب نشده است و بعضی از نزدیکان بهبهانی مانند محمد مهدی شریف کاشانی با سفارت انگلیس ارتباط داشته‌اند و تماس با سفارتخانه‌های خارجی برای بهبهانی امری زشت و قبیح نبوده است. وی درخواست تأمین از سفارت انگلیس برای بازگشت به تهران از سوی بهبهانی و سکوت در مقابل شایعاتی که از قول او بیان می‌شد را حاکی از رضایت بهبهانی از تحصن سفارت انگلیس دانسته و صراحتاً می‌نویسد: باید این عمل را

از نقاط ضعف روحانیت شیعه به حساب آوریم (حسینیان ۱۳۸۷: ۳۰۰-۲۹۷). در نقطه مقابل دیدگاه‌های فوق که برخی توصیه به تحصن را اشتباه و برخی از روی اضطرار دانسته‌اند، تاریخ‌پژوهان دیگری هم هستند که تحصن در سفارت انگلیس را امری عادی و در راستای استفاده از فرصت در شرایط اختناق سیاسی ارزیابی می‌کنند (ملایی توانی ۱۳۹۹: ۹۹-۹۸).

۲. بررسی تحلیلی موضوع تحصن سفارت:

موضوع بررسی این مقاله حاوی یک پرسش اصلی بود که پاسخ صریحی را می‌طلبد و آن این که آیا سید عبدالله بهبهانی در تحصن سفارت انگلیس نقش داشته و این تحصن بنا بر توصیه و سفارش او صورت گرفته یا نه؟ بدیهی است هرگونه تحلیل بعدی منوط به پاسخ دادن به این پرسش است و کسانی که منکر نقش او باشند تلاشی در جهت توجیه اقدام او نخواهند کرد. با این مقدمه، پاسخ نگارنده به پرسش اولیه این است که بهبهانی به دلایلی در فراهم کردن زمینه تحصن در سفارت نقش داشت؛ اما فرآیند بعدی این رخداد در اختیار شخص او نبود. به‌علاوه، ملاحظات زیر در ارتباط با تحصن در سفارت انگلیس و نقش بهبهانی ارائه می‌شود:

اول: تلگراف گرانت داف کاردار سفارت انگلیس بیانگر آن است که بهبهانی و طباطبایی قبل از مهاجرت کبری (به قم) و در جریان حادثه مسجد جامع درصدد تحریک مردم در بست نشینی در سفارت انگلیس برآمده بودند اما از این کار در آن مقطع خودداری ورزیدند. به نظر می‌رسد علما به‌ویژه بهبهانی در مبارزه با عین الدوله از اهرم‌های مختلف فشار استفاده می‌کردند و از آنجا که تیغ و شمشیر در دست عمال و کارگزاران عین الدوله بود برای حفظ دماء مسلمین موضوع پناهنده شدن به سفارت را به‌عنوان یک تاکتیک و اهرم فشار مطرح می‌کردند. در این رابطه بهبهانی می‌بایست از قبل تمهیدات لازم را اندیشیده باشد از این‌رو نامه‌اش به کاردار سفارت انگلیس به‌منظور دفاع از ملت و نفوس مسلمین تلقی می‌شود. در پی مهاجرت به قم وقتی معدودی از تجار در مورد حفظ جان خود از او استعلام کردند وی به همان معدود افراد پاسخ داد که در سفارت انگلیس پناهنده شوند؛ لذا در روز اول تحصن فقط ۹ نفر از تجار برای حفظ جان خود به سفارت پناهنده شدند. همان‌گونه که می‌دانیم در رویدادهای سیاسی عواقب و پیامدهای تصمیمات همواره به‌روشنی قابل

پیش‌بینی نیست و چه‌بسا بهبهانی نیز پیش‌بینی نمی‌کرد که با این تصمیم، زمینه‌ساز حرکت دسته‌جمعی کلیه اصناف و جمع کثیری از مردم تهران به سفارت خواهد شد. در این میان دیگرانی چون اردشیر ریپورتر اذعان کرده‌اند که به دنبال تحصن در سفارت بودند (ملک‌زاده ۱۳۷۳: ۳۷۳).

دوم: نگاه خصومت‌آمیزی که به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی نسبت به استکبار و امپریالیسم وجود دارد، مانع از آن شده که برخی از مناسبات و روابط با مقامات خارجی که در دیپلماسی عمومی معنا می‌یابد، به‌درستی و بدون حب و بغض بررسی شود. جالب است بدانیم فقط بهبهانی به مکاتبه با سفارت انگلستان نپرداخته بلکه حداقل در یک مورد شیخ فضل‌الله نوری نیز با وزیرمختار انگلیس نامه‌نگاری کرد و ضمن تأکید بر اتحاد با ملت ترقی‌خواه انگلستان و تلاش مأمورین سیاسی در حفظ روابط مودت‌آمیز دو ملت، تشکرات قلبی خود را از مساعدت و سیاست شارژدافر (کاردار) سفارت انگلیس ابراز نمود (ترکمان ۱۳۶۲ ج ۱: ۱۲۶-۱۲۴). یکی از پژوهشگران، این نامه را در راستای تقدیر از مساعدت سفارت انگلیس با بست‌نشینان می‌داند (بهشتی سرشت ۱۳۸۰: ۱۴۴).

سوم: موضوع مهم دیگر نقش افراد و اعضای بیوت علماست. در بسیاری از موارد اقدامات و رفتارهای اعضا و اجزاء بیوت به حساب مرجع گذاشته می‌شود. بیوت بهبهانی نیز از این امر مستثنا نبود. براین اساس، بهبهانی اگر هم در بدو حادثه و در پناه خواهی از سفارت انگلیس برای تعدادی از تجار نقش داشت، تداوم روند تحصن به نام او با تأیید افراد مرتبط با وی و بیوت او می‌توانست تحقق بیابد. در این میان احتمالاً برخی از روی ناآگاهی متأثر از جریان تحولات سیاسی و خبرسازی‌ها و هوجبگیری‌ها شده و مرعوب می‌گشتند و برخی با آگاهی و با اهداف و اغراض خاص این مسئله را دنبال می‌کردند. ناظم الاسلام کرمانی به نقش سید محمدتقی سمنانی یکی از اجزاء بیوت بهبهانی در ترغیب طلاب به داخل شدن به سفارت اشاره کرده است (ناظم الاسلام کرمانی ۱۳۷۶ ج ۳: ۵۱۱). حضور طلاب و روحانیون در سفارت انگلیس نمی‌توانست بدون اطمینان خاطر آنان از رضایت علما و رهبران مذهبی باشد و رابط رهبران روحانی با طلاب، اعضای بیوت آنان بودند. به نوشته دولت‌آبادی، بهبهانی به بعضی از خواص خود دستور می‌داده که بعد از رفتن ما به قم باید در سفارت انگلیس متحصن شد (دولت‌آبادی ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۱). در غیاب بهبهانی، به‌جز آن

خواص کس دیگری نمی‌توانسته این توصیه را پخش کند. یکی از اعضای بیت بهبهانی، سید محمدتقی موسوی هروی است که مدتی محرر بهبهانی بود و بعداً به جرگه طرفداران شیخ فضل‌الله نوری پیوست و سرانجام از او نیز گسست. وی از کسانی است که گفته شده در تحصن نقش داشته و نامه‌ای به دبیر شرقی سفارت انگلیس نوشته بود (ترکمان ۱۳۶۲: ۶). محمد مهدی شریف کاشانی یکی دیگر از همین خواص است که خودش به سابقه بستگی به سفارت انگلیس معترف است (شریف کاشانی ۱۳۶۲ ج ۱: ۷۴). او در گفتگو با علما و بهبهانی برای بازگشت آنان از قم به تعریف و تمجید از سیاست «دولت بهیه انگلستان» مبنی بر تألیف قلوب مسلمانان پرداخت و از تمایل این دولت به استقلال ایران سخن گفت (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ۸۲).

نتیجه‌گیری

مورخان و محققان تاریخ مشروطه اگرچه در ارزیابی و قضاوت پیرامون حادثه تحصن مشروطه خواهان در سفارت انگلیس هم‌رأی نیستند، لیکن در خصوص توصیه بهبهانی به تعدادی از تجار در استمداد از سفارت انگلیس، اجماع دارند. مطلبی که در تعدادی از کتاب‌های درسی در خصوص نقش انگلستان در حوادث مشروطه مطرح شده بود در آگاهی دادن و تعمیق بینش ضد استعماری و تأمل و تفکر نسل جوان به تاریخ معاصر مفید بود؛ اما شرح جزئیات رخداد و دلایل توصیه بهبهانی در تحصن سفارت انگلیس موضوعی است که در محافل دانشگاهی می‌بایست بررسی شود. بر اساس دقت‌های صورت گرفته در گزارش‌ها، توصیه بهبهانی در بدو امر و آغاز این ماجرا قابل انکار نیست و مورد اجماع تاریخ‌نگاران و مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی است؛ لیکن این توصیه از سر اضطرار به «یکی دو تن از تجار» را نمی‌توان «توصیه به مردم» تلقی کرد. حجم و گستره و بازه زمانی تحصن اگر هم مورد انتظار و موافقت بهبهانی نبود؛ اما او با توصیه‌اش بهانه را برای این تجمع فراهم نمود و به نظر می‌رسد در ادامه ماجرا افرادی از بیت او در تشویق و ترغیب به تحصن و هم‌نوابی با متحصنان نقش داشتند. گذشته از اختلاف نظر میان برخی پژوهندگان تاریخ مشروطه، می‌توان مشابهت‌هایی میان دیدگاه‌های آنان یافت. اغلب آنان نقش و دخالت انگلستان در حوادث مشروطه را تقبیح می‌کنند. البته کسانی مانند اسماعیل

رئین و محمود محمود متهم هستند که از این طریق به دنبال جا انداختن قدرت استعماری دولت انگلستان و مشکوک جلوه دادن نهضت‌های مردمی و انقلابی هستند. دیدگاه امام خمینی که دارای مواضع ضد استعماری شدیدی بود و از مبارزات روحانیون سیاسی حمایت می‌کرد و معتقد بود استعمار انگلیس در صدد تخریب و ملکوک کردن روحانیون ضد استعماری است، در نگرش ایشان و پذیرش و ترجیح نظر تاریخی احمد کسروی مؤثر بوده است. قضاوت درباره رویداد تحصن در سفارت انگلیس و نقش بهبهانی، مراحل‌ی از رویکردهای توصیفی، توجیهی (موجه ساختن)، تکذیبی (انکار کردن)، تقبیحی (محکوم نمودن) و کمابیش تبیینی را در برداشته است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی تمام مقاله را نوشته است.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- آفاری، ژانت. (۱۳۸۵) **انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱**، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
- امام خمینی، سید روح الله. (بی تا) **کشف اسرار**، قم: دارالکتاب.
- _____ (۱۳۸۵) **صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- _____ (۱۴۰۹ ق) **ولایت فقیه (حکومت اسلامی)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- براون، ادوارد. (۱۳۷۶) **انقلاب مشروطیت ایران**، ترجمه مهری قزوینی، تهران: کویر.
- بشیری، احمد (به کوشش). (۱۳۶۳) **کتاب آبی: گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران**، تهران: نشر نو.
- بهشتی سرشت، محسن. (۱۳۸۰) **نقش علما در سیاست (از مشروطه تا انقراض قاجار)**، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- پهلوی، محمدرضا. (۱۳۴۵) **انقلاب سفید**، تهران: کتابخانه سلطنتی پهلوی.
- ترکمان، محمد. (۱۳۶۲) **رسائل، اعلامیه ها، مکتوبات ... و روزنامه شیخ شهید فضل الله نوری**، تهران: رسا.
- تفرشی حسینی، احمد. (۱۳۵۱) **روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران: یادداشت های سید احمد تفرشی حسینی**، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- تقوی، مصطفی. (۱۳۸۴) **فراز و فرود مشروطه**، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۳) **مشروطه خواهی ایرانیان**، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی. (۱۳۷۹) **مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ مشروطیت ایران**، با مقدمه دکتر ناصر کاتوزیان، تهران: انتشار.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۸) **بست نشینی مشروطه خواهان در سفارت انگلیس**، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- حسینیان، روح‌الله. (۱۳۸۷) چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- داودی، مهدی. (۱۳۷۲) عین الدوله ورژیم مشروطه، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی و تألیف. (۱۳۶۵) تاریخ معاصر ایران، سال سوم دبیرستان، وزارت آموزش و پرورش.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۷۱) حیات یحیی، تهران: عطار و فردوس.
- رائین، اسماعیل. (۱۳۵۵) انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت، تهران: جاویدان.
- _____ (۱۳۷۳) حقوق‌بگیران انگلیس در ایران، تهران: جاویدان.
- رضوانی، محمد اسماعیل. (۱۳۸۱) انقلاب مشروطیت ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- روحانی، حمید. (۱۳۸۱) نهضت امام خمینی، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.
- _____ (۱۳۸۲) نهضت امام خمینی، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.
- سالور، قهرمان میرزا. (۱۳۷۶) روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- شریف کاشانی، محمدمهدی. (۱۳۶۲) واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۰) ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: علمی.
- شیخ‌الاسلامی، جواد. (۱۳۶۷) قتل اتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر، تهران: کیهان.
- کسروی، احمد. (۱۳۶۹) تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- گروه نویسندگان. (۱۳۸۲) انقلاب مشروطیت، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، با مقدمه ناصر تکمیل همایون، تهران: امیرکبیر.
- لقایی، آرزیتا. (تابستان ۱۳۸۰) «تأملی درباره تحصن در سفارت انگلیس»، فصلنامه تاریخ

معاصر ایران، شماره ۱۸، صص ۱۲۲-۱۱۳.

- محمود، محمود. (۱۳۷۸) تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، تهران: اقبال.
- معاصر، حسن. (۱۳۴۸) تاریخ استقرار مشروطیت در ایران مستخرجه از اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان، تهران: ابن سینا.
- ملایی توانی، علیرضا. (۱۳۹۹) تکاپو برای آزادی (روایتی دیگر از انقلاب مشروطه ایران)، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۷۳) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: نشر علمی.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد. (۱۳۷۶) تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر پیکان.
- نامور، رحیم. (۱۳۵۷) برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت، تهران: چاپار.
- نشر عروج. (۱۳۸۶) سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.
- یزدانی، سهراب. (۱۳۷۶) کسروی و تاریخ مشروطه ایران، تهران: نشر نی.
- Afary, Janet. (2006) *The Iranian Constitutional Revolution 1906 - 1911*, Reza Rezaei (trans.), Tehran: Biston. (In persion)
- Bashiri, Ahmad. (1984) *Blue Book: Confidential reports of the British Ministry of Foreign Affairs about Iran's constitutional revolution*, Tehran: New Publishers. (In persion)
- Beheshtiseresht, Mohsen. (2001) *The Role of Scholars in Politics (From the Constitution to the Fall of the Qajar)*, Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution. (In persion)
- Brown, Edward. (1997) *Iran's Constitutional Revolution*, Mehri Qazvini (trans.), Tehran: Kavir. (In persion)
- Davodi, Mehdi. (1993) *Ain al-Dawlah and the Constitutional Regime*, Tehran: Pocket Books Publishers. (In persion)

- Dolatabadi, Yahya. (1992) *Hayat Yahya*, Tehran: Attar and Ferdous. (In persion)
- Hosseinian, Ruhollah. (1998) *Fourteen Centuries of Shiite Efforts to Stay and Develop*, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In persion)
- Jafarian, Rasul. (1999) *Sit-in of Constitutionalists in the British Embassy*, Tehran: Institute of Contemporary History of Iran. (In persion)
- Kasravi, Ahmad. (1990) *Constitutional History of Iran*, Tehran: Amir kabir. (In persion)
- Khomeini, Seyed Ruhollah. (1989) *Velayat-e Faqih (Guardianship of Jurisprudent)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In persion)
- _____. (2006) *Collection of Imam Works* (22-volume series), Tehran: Imam Khomeini Publishing House, 4th edition. (In Persian)
- _____. (n.d.) *Kashf Asrar*, Qom: Dar al-Kitab. (In persion)
- Laqaei, Azita. (2010) "Reflections on the sit-in at the British Embassy", *Iranian Contemporary History Quarterly*, Vol. 18.
- Mahmoud, Mahmoud. (1999) *History of political relations between Iran and Britain in the 19th century*, Tehran: Iqbal (In persion).
- Malekzadeh, Mahdi. (1994) *History of Iran's Constitutional Revolution*, Tehran: Scientific Publishers. (In persion)
- Mo'aser, Hassan. (1969) *The history of the establishment of constitutionalism in Iran extracted from the confidential documents of the British Foreign Ministry*, Tehran: Ibn Sina. (In persion)
- Mollaiy Tavani, Alireza. (2019) *Striving for Freedom (another narrative of Iran's Constitutional Revolution)*, Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution. (In persion)
- Namvar, Rahim. (1978) *Some considerations about the history of the consti-*

- tutional revolution*, Tehran: Chapar. (In persion)
- Nazem-ul-Islam Kermani, Mohammad. (1994) *History of the Awakening of Iranians*, Ali Akbar Saeedi Sirjani (ed.), Tehran: Peykan. (In persion)
 - Office of research and planning and authoring. (1986) *Contemporary history of Iran*, third year of high school, Tehran: Ministry of Education. (In persion)
 - Pahlavi, Mohammad Reza. (1966) *The White Revolution*, Tehran: Pahlavi Royal Library. (In persion)
 - Ra'in, Ismail. (1976) *Secret Societies in the Constitutional Revolution*, Tehran: Javidan. (In persion)
 - _____. (1994) *British salary earners in Iran*, Tehran: Javidan. (In persion)
 - Rezvani, Mohammad Ismail. (2002) *Iran's Constitutional Revolution*, Tehran: Scientific and Cultural Pubishers. (In persion)
 - Rouhani, Hamid. (2002) *Imam Khomeini's Movement*, Vol. 1, Tehran: Uruj. (In persion)
 - _____. (2003) *Imam Khomeini's Movement*, Vol. 3, Tehran: Uruj. (In persion)
 - Salwar, hero of Mirza. (1997) *Diary of Ain al-Saltanah*, Masoud Salour and Iraj Afshar (eds.), Tehran: Asatir. (In persion)
 - Shamim, Ali Asghar. (1991) *Iran during the Qajar dynasty*, Tehran: Scientific Publishers. (In persion)
 - Sharif Kashani, Mohammad Mahdi. (2004) *Accidental events in our time*, Mansoureh Laghyan (Nizam Mafi) and Sirius Saadovandian (eds.), Tehran: Tarikh Iran Publishers.
 - Sheikh al-Islami, Javad. (1988) *Atabak's murder*, Tehran: Kayhan. (In persion)
 - Tafreshi Hosseini, Ahmad. (1972) *Newspaper of Iran's Constitutional and*

- Revolutionary News*, Seyyed Ahmad Tafreshi Hosseini's Notes by Iraj Afshar, Tehran: Amir Kabir. (In persion)
- Takmil Homayoun, Nasser. (2013) *Iran's Constitutionalism*, Tehran: Center for the Study of Islam and Iran. (In persion)
 - Taqavi, Mustafa. (2004) *The Rise and Fall of Constitutionalism*, Tehran: Institute for Contemporary History Studies of Iran. (In persion)
 - Tehrani (Katouzian), Mohammad Ali. (2000) *Social and political observations and analysis of Iran's constitutional history*, with an introduction by Dr. Nasser Katouzian, Tehran: Center for the Study of Islam and Iran. (In persion)
 - Turkaman, Mohammad. (1983) *Treatises, Letters, Communication, Statements, ... of Sheikh Shahid Fazlullah Nouri*, Tehran: Rasa. (In persion)
 - Uruj. (2007) *The course of Imam Khomeini's Struggle in the mirror of documents based on Savak reports*, Tehran: Uruj. (In persion)
 - Writers group. (2003) *The Constitutional Revolution*, Collection of articles in Iranica Encyclopedia, Ehsan Yarshater (ed.), Peyman Mateen (trans.) Tehran: Amir Kabir. (In persion)
 - Yazdani, Sohrab. (1998) *Kasravi and Iran's Constitutional History*, Tehran: Ney Publishing. (In persion)

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.